

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۱۹ مارچ ۲۰۱۹

چرا "غنی احمدزی" می باید از "خلیلزاد" متنفر باشد؟؟

۲

دوشنبه- ۲۷ حوت ۱۳۹۷ - کابل:

۵- هرچند در زمان انتصاب "غنی احمدزی" به حیث رئیس جمهور از جانب "جان کری" باز هم هرچهار نفر مشترکاً تصمیم گرفتند تا "عبدالله عبدالمود" را به ارگ راه ندهند، با آنهم آن اتحاد دیری نپائید. زیرا "غنی احمدزی" به محض آن که قدرت را در دستان خود قبضه کرد به حساب داستان معروف "نه چرگی بود و نه پرگی"، در عمل نشان داد که انسانیت عقده مند، حقیر، عهد شکن و به حساب وطنی ما ناجوان! از همین رو نخست حملاتش را بر کرزی و سلسله مراتبی که ظرف یک و نیم دهه در بیروکراسی و اشرافیت جنگسالار به وجود آورده بود آغاز نموده به تعقیب جلالی و خلیلزاد را نیز از خود کاملاً دور نمود. در عین حال به فکر این که رئیس جمهور آینده امریکا باز هم یک تن از دموکراتها خواهد شد، پایش را از گلیمش فرا تر دراز نموده، از پول گدائی برای افغانستان، مقداری به کمپاین "هیلری کلینتن" کمک نیز نمود.

۶- صرف نظر از مسایل جهانی و مربوط به امریکا، از آنجا که "غنی احمدزی" حین مبارزات انتخاباتی وعده داد بود که در صورت پیروزی با تعقیب یک ستراتیژی سیاسی در ۵ قسمت، با کار در قسمت ایجاد یک اجماع منطقه‌ئی و جهانی پاکستان را کاملاً تجرید نموده از آن طریق وادار خواهد ساخت تا از حمایت طالب دست بردارد در غیر آن خودش قربانی خواهد شد، با رسیدن به قدرت عملاً و رسماً سیاست خارجی کشور را خود در دست گرفته، در جهت تحقق ستراتیژی اش کار را آغاز نمود.

۷- فهم ناقص و ابزار ناکافی باعث گردید که "غنی احمدزی" با تمام خیز و جست هائی که زد که گویا پاکستان را تجرید و در نوک ناوه آورده است، در عمل سیاستمداران پاکستانی در حد قابل ملاحظه‌ای قادر شدند تا جلو موفقیت "غنی احمدزی" را بگیرند. یعنی وقتی متوجه شدند که لابی های "غنی احمدزی" در واشنگتن فشار را بر آنها زیاد نموده و حلقه طناب گردن شان را فشار بیشتر می دهند، با یک مانور آگاهانه، با امریکا بازی و موش و گربه را آغاز نموده در عوض با استفاده از اتوریتة "چین" در کنفرانس شانکهای و نقش و اوریتة نظامی خودش در کشور های عربی، سیاست مرده خواری روسیه و ایران که تلاش داشته و دارند تا اجساد باقی مانده از غرب را خیلی صریح به سمت خود بکشانند، نه تنها در منطقه خود را از انزوا بیرون نمود، بلکه با راه دادن طالب و ارائه چهره آرایش شده

جدیدی از آنها، میدان پشت میدان را به نفع خود و طالب فتح نموده، دولت دست نشانده و "غنی احمدزی" را در داخل و خارج تجرید کرده، گذاشت تا او به داشتن امریکا هر طرف جولان بدهد.

۸- این وضعیت یعنی لولیدن پاکستان و طالب به سمت مخالفان و رقبای جهانی و منطقه‌ای، امریکا وادار نمود تا آنچه را سپری شده، با دقت بیشتر مورد مذاقه قرار دهد. امریکا در بازنگری به اصطلاح پیروزی "غنی احمدزی" متوجه شد، که "غنی احمدزی" و سیاست هایش آرایشگری را مانند است که به غرض چیدن ابرو و کمان ساختن آن، چشم عروس را کور نموده است. یعنی در حالی که در یک مقایسه بین افغانستان و پاکستان، عروس پاکستان است و افغانستان ابروی عروس، امریکا به هیچ صورت نمی خواست و نمی خواهد جهت خوشنودی آدمی در قد و قواره "غنی احمدزی" پاکستان را از خود دور بسازد.

۹- در چنین حالتی که خطر کور شدن عروس از طرف آرایشگر ناشی و خودخواه هرلحظه بیشتر می شد، وزارت خارجه امریکا "زلمی خلیلزاد" جاسوسش را که مسؤولیت تمام خرابی ها من جمله احتمال کور شدن چشم عروس را نیز به گردنش خواهد افتاد، جهت اصلاح امور به منطقه فرستاد. واضح بود که در آغاز "غنی احمدزی" بسیار خوشحال بود و فکر می کرد که نامبرده به پاس آشنائی های گذشته، نه تنها چشم عروس را کور خواهد نمود، بلکه مشترکاً گردن وی را نیز خواهند برید، امیدی که توهمی بیش نبود. زیرا "خلیلزاد" به افغانستان به حیث یک افغان نیامده بود که با کسی وطنداری نماید بلکه به حیث مأمور رسمی وزارت خارجه امریکا آمده بود تا به بادارانش خدمت نموده، اهداف آنها را تحقق ببخشد.

۱۰- از اینجا به بعدش را همه می دانیم، خلیلزاد آمد، به اصطلاح پاکستانی را که در آستانه گرفتن کارت سرخ و اخراج از بازی بود، مجدداً وارد میدان نموده، کارتهای قبلی ریفری را باطل اعلام داشته، یک پناالتی نیز به نفع وی داده شد. یعنی بازی مطلقاً دگرگونه شد. به جای آن که پاکستان و طالب تجرید شوند این دولت دست نشانده به خصوص شخص "غنی احمدزی" بود و است که تجرید شده، همان که گفته اند "سگ سور از گله دور"، هم زمین برایش سخت و تنگ گردید و هم آسمان دور و دورتر شده رفت.

۱۱- "غنی احمدزی" که برآستی مغز متعفی بیش نیست و ظرفیت سنجش یک بازی مغلق در سطح منطقه و جهان را ندارد، نمی تواند و نمی خواهد بداند که اولاً پاکستان برای امریکا با ارزشتر از افغانستان است، در ثانی خلیلزاد یک نوکراست که می باید به ساز اربابش برقصد، به جای آن که فهمش را ارتقاء دهد و اگر هنوز هم می خواهد در میدان باقی ماند باید راه ها و تکتیک های جدیدی را اتخاذ نماید، از در کینه و کدورت با خلیلزاد وارد شده، یک بار زنش را به جان زن خلیلزاد و خودش انداخت، اینبار هم بیچاره جوانه مرغ تازه بال و پر کشیده را به جنگ هیولا های مرغ خوار فرستاد. زیرا او هنوز هم فکر می کند که خلیلزاد کارش را خراب کرده است و می باید از وی متنفر بود.

دیده شود چه می شود!!